

در گفت‌وگوی «شرق» با احمد بخشایش اردستانی درباره نقد سیاسی حامیان دولت رئیسی مطرح شد

قدرت نه‌چندان یک‌دست



عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ این روزها با تصمیم دولت برای حذف ارز ترجیحی از کالاهای اساسی، انتقادات افکار عمومی، فضای رسانه‌ای و جامعه سیاسی به دولت سیزدهم تشدید پیدا کرده است. دراین بین شاید مهم‌ترین نقدی که خود جای انتقاد داشته باشد، به بخشی از سخنان رئیس مجلس یازدهم بازمی‌گردد که عنوان کرد «در گرانی‌های اخیر و موضوع افزایش قیمت ماکارونی هم، بی‌توجهی به قانون مجلس باعث شد چنین فضایی ایجاد شود و مردم را به‌شدت ناراحت کند. به مردم حق می‌دهم که نسبت به آینده نگران شده باشند، اما با توجه به پیگیری‌های انجام‌شده و جلساتی که به‌ویژه در شورای هماهنگی اقتصادی صورت گرفت، مقرر شد که قانون مجلس به طور کامل اجرایی شود. ان‌شاءالله آرامش معیشتی برای مردم ایجاد خواهد شد». برخی چهره‌ها این جملات و عبارات را فرار رو به جلوی قالیباف از سیل انتقادات این روزها می‌دانند. درحالی‌که به باور این افراد در جریان یک‌دست‌شده قدرت همه احزاب و شخصیت‌ها به یک اندازه مسئول اند؛ اما گزاره‌ای که می‌تواند این تحلیل را تحت‌الشعاع قرار دهد، ناظر به «رفتار سیاسی» یا «نقد سیاسی» است. پیرو این نکته اساسا این دست انتقادات، نه یک نگاه دلسوزانه یا فرار از مسئولیت بلکه نوعی انتقام سیاسی را به ذهن متبادر می‌کند؛ به‌ویژه آنکه در روزهای اخیر برخی اتفاقات به این گمانه‌زنی‌ها دامن می‌زند. ضمن اینکه آغاز رقابت سیاسی مجلس یازدهم برای انتخاب هیئت‌رئیسه کاتالیزوری بر این مهم خواهد بود؛ رقابتی که بی‌شک یک سر آن قالیباف و سسر دیگرش به جبهه پایداری می‌رسد تا چهارم خرداد، تکلیف رئیس مجلس را در اجلاسیه سوم مشخص کند. از این منظر «شرق» در گفت‌وگویی با احمد بخشایش اردستانی، نماینده ادوار و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نهم، سعی کرده است واکاوی دقیق‌تری از نقد سیاسی و غیرسیاسی حامیان دولت رئیسی داشته باشد.

• به موازات تشدید انتقادات فراگیر به عملکرد دولت رئیسی درباره حذف ارز ترجیحی شاهدیم رئیس مجلس هم در نطقی به دولت سیزدهم انتقاد کرد؛ انتقادی که به باور برخی محلی از اعراب ندارد چون در فضای یک‌دست‌شده قدرت همه به یک اندازه مسئول‌اند، اما این گزاره زیر سؤال است؛ چراکه برخلاف این ادعا در یک سطح می‌توان شرایط فعلی را متأثر از اختلاف بین دو رئیس قوه ارزیابی کرد که ذیل قابل صوتی چند روز اخیر، نزدیکان رئیسی را مسئول مدیریت «سیسمونی‌گیت» می‌دانند؛ بنابراین رئیس مجلس به وقت بحران پشتت دولت را خالی کرده است. شما کدام‌یک از این دو نگاه را نزدیک به واقعیت می‌دانید؟

قرار نیست که فضای یک‌دست‌شده قدرت لزوما به معنای همراهی تام و تمام جریان‌های سیاسی از همدیگر باشد. قطعا هر فرد، حزب و گروهی درخصوص مسائل مختلف اختلاف نظر دارند که کاملا طبیعی است. پس نباید این مسئله را پیچیده کرده و آن را به دیگر اتفاقات گره زد. البته هم منکر برخی اتفاقات و تحولات و تأثیرش بر اختلاف‌نظر سیاسیون نیستم؛ بنابراین تا اندازه‌ای تحلیل شما هم می‌تواند درست باشد؛ یعنی انتقاد کوچک رئیس مجلس به دولت به همان اندازه که می‌تواند از سر دلسوزی باشد، سیاسی هم تعبیر شود.

• آیا در سطح دیگری از تحلیل می‌توان این گزاره را مطرح کرد که قالیباف با انداختن توپ قصور در زمین دولت در تلاش برای تکیه بر کرسی ریاست مجلس برای سال سوم با عبور از جبهه پایداری است و درعین حال نیم‌نگاهی هم به پاسور در ۱۴۰۴ دوخته است؛ به‌ویژه اینکه در روزهای اخیر با آزادسازی نرخ آرد و گندم و تشدید انتقادات به پاسورنشینان شاهد مطرح‌شدن پیشنهاد استعفای رئیسی نیز هستیم؟

شاید بتوان جنگ قدرت در میان جریان‌های حاضر در مجلس یازدهم برای رسیدن به کرسی ریاستت قوه مقننه را تا اندازه‌ای نزدیک به واقعیت دانست که بسیار هم طبیعی است. چه‌بسا در ادوار پیشین مجلس هم جنگ قدرت برای کرسی ریاست قوه به‌مراتب شدیدتر از مجلس یازدهم بوده است؛ اما به‌هیچ‌عنوان، نه آقای قالیباف و نه هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند کت و شلوار ریاست‌جمهوری برای ۱۴۰۴ به تن کند.



محورها
<ul style="list-style-type: none">شاید بتوان جنگ قدرت در میان جریان‌های حاضر در مجلس یازدهم برای رسیدن به کرسی ریاست قوه مقننه را تا اندازه‌ای نزدیک به واقعیت دانست اساسا نفس و ذات «قدرت یک‌دست» به فضای دوقطبی یا حتی جندقطبی درونی دامن می‌زند افکار عمومی انداختن توپ در زمین «دیگری» به نام رؤسای جمهور قبلی را نمی‌پذیرد پروژه «دیگری‌سازی» کارکرد خود را از دست داده است؛ طبیعی است که شاهد تشدید فضای دوقطبی و جندقطبی در جریان یک‌دست‌شده قدرت باشیم معتمد ارز ترجیحی، ارزی فسادزاست که سبب شد چیزی در حدود ۱۸ تا ۲۰ میلیارد دلار در دولت روحانی حیف‌ومیل شود بعد از پیروزی روحانی در سال ۹۶، سرخوردگی جریان اصولگرا اعتراضاتی را در دی‌ماه همان سال در مشهد شکل داد که در ادامه به دیگر نقاط کشور تسری پیدا کرد جا داشت که کسانی همچون خاندوزی و… چند دوره حضور در مجلس یا معاونت کل وزارتخانه‌ها را تجربه می‌کردند تا با چم‌وخم کار آشنا می‌شدند اساسا من معتقد به گزاره‌ای به نام جریان «جلیبسیم» در کشور نیستم قرار نیست که فضای یک‌دست‌شده قدرت لزوما به معنای همراهی تام و تمام جریان‌های سیاسی با یکدیگر باشد

هیچ‌کس غیر از رئیسی اجازه نمی‌دهد در ۱۴۰۴ مجددا به پاسور راه پیدا کند؛ چون در غیر این صورت اعتبار اصولگرایان، هم در میان جریان‌های سیاسی داخلی و مهم‌تر از آن در میان افکار عمومی زیر سؤال خواهد رفت.

• به سؤال قبلی بازمی‌گردم. این روزها در محافل سیاسی و رسانه‌ای به‌ویژه از خود جریان محافظه‌کار ندهایی مبنی بر درخواست از رئیسی برای استعفا مطرح شده است. این مسئله در تناقض با گفته شما نیست؟

خیر؛ چون به همان دلایلی که قبلا گفتم، نباید این موضع‌گیری‌های رسانه‌ای و

سیاسی، حتی از جانب طیفی از اصولگرایان را چندان جدی گرفت. مضافا یک پارامتر بسیار مهم هم وجود دارد که باید در پاسخ به سال شما مدنظر قرار گیرد و آن هم به حمایت‌های مقام معظم رهبری از رؤسای جمهور بازمی‌گردد. رهبری همواره از همه رؤسای جمهور، چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا حمایت جدی داشته است که تا آخرین ساعت مأموریت در پاسستور به وظایف محوله عمل کنند. پس مسئله استعفا اساسا محلی از اعراب ندارد و ارزش تحلیل هم ندارد.

• اجازه دهید کد تحلیل شما را زیر سؤال ببرم. از این بابت که اگر از بیرون جریان یک‌دست‌شده را بررسی کنیم، سنت ثبات و تداوم قدرت دیده می‌شود ولی زمانی که از درون به این ساختار یک‌دست‌شده نگاه کنیم، خواهیم دید اتفاقا این جریان با وجود گذاشتن تمام اعتبار سیاسی طیف راست، چندان هم یک‌دست نیست؛ چون از همان زمان کلید‌خوردن انتخابات مجلس یازدهم شاهد تقابل طیف قالیباف با احمدی‌نژاد‌ها و پایداری‌ها بر سر سرلیستی تهران و بعد از آن ریاست مجلس بودیم. پس از آنکه دست پایداری‌ها و احمدی‌نژاد‌ها از سرلیستی تهران و رسیدن به کرسی ریاست قوه مقننه کوتاه شد، پروژه نفوذ در کابینه و دولت سیزدهم آغاز شد که موفق به این مهم شدند؛ بنابراین این دو طیف اکنون، هم از جبهه باستور، هم از بهارستان و حتی از ساختن بهشت به دنبال فشار سیاسی برای گرفتن کرسی ریاست مجلس هستند. این در حالی است که عملکرد دولت درخصوص حذف ارز ترجیحی نیز به واکنش جریان مقابل منجر شده است. پس چرا با وجود این اقتضانات عدم تغییر را جدی می‌دانید؟

اولا نکات شما به‌هیچ‌وجه نافی تحلیل من نیست؛ چون اساسا نفس و ذات «قدرت یک‌دست» به فضای دوقطبی یا حتی جندقطبی درونی دامن می‌زند؛ به‌ویژه زمانی که «دیگری» مطرح نباشد. در آن صورت فضا خوده‌به‌خود به سمت دوقطبی و جندقطبی خواهد رفت. شاید تا پیش از این به نام هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی شرایط برای تداوم سنت ثبات و تداوم قدرت شکل می‌گرفت، اما به نظر می‌رسد در وضعیت کنونی این مهم دیگر به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد؛ چراکه افکار عمومی انداختن توپ در زمین «دیگری» به نام رؤسای جمهور قبلی را نمی‌پذیرد. پس اگرچه در این مدت رؤسای مجلس و به‌خصوص رئیس‌جمهور و اعضای دولت مرتبا کم‌کاری‌ها و مشکلات فعلی را به زمین «دیگری» یعنی حسن روحانی می‌اندازند، اما باید پذیرفت اکنون این ترفند، نه برای افکار عمومی، نه برای رسانه‌ها و نه جریان‌های سیاسی عمل نمی‌کند. چون پروژه «دیگری‌سازی» کارکرد خود را از دست داده است؛ طبیعی است که شاهد تشدید فضای دوقطبی و جندقطبی در جریان یک‌دست شده قدرت باشیم. ضمنا برخلاف تصور شما مبنی بر تقابل طیف احمدی‌نژادی با دیگر جریان‌ها من معتقدم پذیرش و هضم این طیف در بدنه قدرت یک‌دست‌شده اقدامی هوشمندانه بود؛ چون جذب حداکثری طیف احمدی‌نژادی در بدنه قدرت هم در سال ۹۸ که بخشی به مجلس یازدهم رفتند و طیفی هم در ۱۴۰۰ به کابینه و دولت سیزدهم ملحق شدند، سبب شد تا تحت تأثیر رفتار و ادبیات رئیس دولت نهم و دهم قرار نگیرند. مضافا در پاسخ به سؤال قبلی شما ناظر بر تحولات سیاسی-اجتماعی روزهای اخیر بعد از حذف ارز ترجیحی یک نگاه متفاوت و البته دوگانه دارم. در یک سو من هم مانند دولت سیزدهم، مجلس یازدهم و بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان معتقدم ارز ترجیحی، ارزی فسادزا است که سبب شد چیزی در حدود ۱۸ تا ۲۰ میلیارد دلار در دولت روحانی حیف‌ومیل شود. اما درعین‌حال باید این را هم کالبدشکافی کرد که چرا دولت دوازدهم مجبور به تخصیص چنین ارزی شد؟! ببینید بعد از پیروزی روحانی در سال ۹۶، سرخوردگی جریان اصولگرا اعتراضاتی را در دی‌ماه همان سال در مشهد شکل داد که در ادامه به دیگر نقاط کشور تسری پیدا کرد. همین فضای اعتراضی، روحانی را تنها به فاصله هشت ماه از پیروزی‌اش، آن هم با رأی حدود ۲۵ میلیونی به‌شدت نگران کرد؛ بنابراین دولت برای کنترل شرایط سیاست چندنرخ-کردن ارز را در پیش گرفت.

ادامه در صفحه ۴

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran